

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لوموند دیپلوماتیک

مشروعیت دینی و مشروعیت دموکراتیک در دیگ جوشان قدرت در ایران

نوشته احمد سلامتیان

7/1/2009

<<...تأکید میکنم. فکر نکنید که امسال، سال آخر دولت است؛ نه. مثل کسی که پنج سال دیگر بناست کار بکند، کار نکنید؛ یعنی تصور کنید که این يك سال به اضافه‌ی چهار سال دیگر در يد مدیریت شماست. با این دید نگاه کنید و کار کنید و برنامه‌ریزی کنید و اقدام کنید...» نه ماه قبل از انتخابات بیست و دوم خرداد ۱۳۸۸ آیت الله علي خامنه اي با بیان این مطلب رجحان خود را برای تمدید ریاست جمهوری آقای محمود احمدی نژاد که از حمایت وي برخوردار بود آشکارا اعلام نمود و باین ترتیب مسئولیت بحران کنونی را بعهده گرفت. و مشخص نمود که در تحکیم اقتدار خود، حذف رقبایش در سرای قدرت و مقابله با پویانی حرکت اصلاح طلبی مصمم است.

انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴ راه را برایش گشوده بود. پس از دو دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی سر خوردگی عمومی سنگین بود و اصلاح طلبان گرچه توانسته بودند تا حدی زمینه آزادیها را گسترده تر کنند در پاسخ به مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور نا توان مانده بودند(۱)

از هشت نامزدي که اجازه شرکت در این انتخابات را یافته بودند با وجود مشارکت نسبتاً عمده ۶۲٫۸ در صد رای دهنده گان هیچکدام نتوانست در مرحله اول حائز اکثریت شود. آقای احمدی نژاد شهردار تهران در این مرحله تنها ۵٫۷ میلیون رای آورده بود و باین ترتیب برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی انتخابات ریاست جمهوری به مرحله دوم کشانده شد.

و بالاخره آقای احمدی نژاد با بهره گیری از اختلافات نامزد های اردو گاه اصلاح طلبان و همچنین دافعه نامزد دیگر سرای قدرت آقای هاشمی رفسنجانی توانست در مرحله دوم به پیروزی دست یابد. و در این مسیر از حمایت ار گانهای نظامی و امنیتی و تبلیغاتی و همچنین نهاد های خیریه وابسته به رهبری استفاده کرد. وي خود را بعنوان عنصری خارج از سیستم معرفی می نمود و با بیانی سیاسی پوپولیستی، ساخته و پرداخته بر محور « عدالت خواهی»، از شرائط جهانی ناشی از مداخله گری ایالات متحده آمریکا بویژه در عراق در سال ۲۰۰۳ که احساسات ناسیونالیست و گاه ضد خارجی را در منطقه برانگیخته بود در انتخابت خود بهره برد.

چهار سال بعد آقای احمدی نژاد برگه ماموریت خود را به خوبی پر کرده بود. ره گیری بر اصلاحات و حاشیه نشین کردن متحد اصلی سابق رهبر آقای رفسنجانی که کم کم برای ایشان دست و پا گیر شده بود. اما عواقب لفاظی های دیپلوماسی تحریک آمیز آقای احمدی نژاد و مدیریت اقتصادی فاجعه آمیز وي ائتلاف وسیع جدیدی را از راس قدرت تا قاعده بدنه اجتماعی بر علیه انتخاب مجدد وي بر انگیخت. حتی در درون ائتلاف اصولگرایان که در مرحله دوم انتخابات ۱۳۸۴ از آقای احمدی نژاد پشتیبانی کرده بود نقد و اعتراض نسبت به وي بالا گرفته بود. اما مدا خله مستقیم رهبري راه را بر آقایان علي لاریجانی رئیس مجلس و محمد باقر قالیباف شهردار تهران که هر دو نیز مستظهر به

حمایت رهبر ند و میخواستند با نامزدی خود از فاجعه انتخاباتی اردو گاه خویش در انتخابات ۱۳۸۸ (همانطور که در دور اول انتخابات ۱۳۸۴ عمل کرده بودند) اجتناب کنند، بست.

در چنین وضعیتی نامزدی مجدد آقای خاتمی توانست در کارزار کوتاه مدت خود در سه استان جنوبی کشور در نیمه دوم اسفند ۱۳۸۷ شور و هیجان فراوانی ایجاد کند و با حملات شدید روزنامه های دولتی از جمله روزنامه کیهان مواجه شد. مدیر این روزنامه که نماینده ویژه رهبری نیز هست بقلم خود برای آقای خاتمی سرنوشتی شبیه خانم بی نظیر بوتو نامزد ریاست جمهوری پاکستانی که در آستانه انتخابات بقتل رسید پیش بینی نمود. بدنبال این تهدیدات و امتناع رهبری از محکوم کردن آن ها، آقای خاتمی به قصد احتراز از برخورد رو در رو اعلام انصراف نمود. و به این ترتیب آقای موسوی نخست وزیر سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸، قبل از اینکه این سمت در باز نگری قانون اساسی حذف شود، با خروج از سکوتی بیست ساله بعنوان نامزد مصالحه «اصلاح طلبی که به اصول انقلاب اسلامی متکی است» وارد صحنه شد. و مدعی گرد هم آوری ائتلافی نه تنها مشتمل بر اصلاح طلبان بلکه بخشی از اصولگرایان که از تن دادن به ریاست جمهوری مجدد احمدی نژاد سر باز میزدند، گردید.

آقای موسوی کسی است که دولت را در دوران طولانی جنگ ایران و عراق مدیریت نموده و در اخذ تصمیمات اساسی قدرت بر آمده از انقلاب شرکت جسته است. هیچ سختی با یک «لیبرال غرب گرا» ندارد. حتی ایالات متحده او را متهم ساخته اند که در انفجار علیه مقر فرماندهی تفنگداران دریایی خود در بیروت در سال ۱۳۶۴ که منجر به کشته شدن بیش از دویست و چهل تن آنان شد، دست داشته است. با این همه وی شخصیتی است که در کوره حوادث پخته شده و همانند بسیاری از دست اندر کاران انقلاب ۱۳۵۷ معتقد است که نظام نیز باید در همین مسیر متحول شود، اما رهبری با این نظر موافق نیست.

شورای نگهبان قانون اساسی مسوول گزینش نامزدهای قابل قبول برای انتخابات ریاست جمهوری است و هشت عضو از دوازده عضو آن آشکارا از آقای احمدی نژاد حمایت کرده اند. این شورا به منظور به حد اقل زمان تقلیل دادن فرصت تبلیغاتی نامزدها از همه فرصت سوزی های میسر بهره گرفت و تا دقیقه آخر همه را در بلا تکلیفی و تردید نسبت به سرنوشت نهایی داوطلبانی که از سد او گذشتند، نگاه داشت. در حالیکه رئیس جمهور ما ها با استفاده از امکانات دولتی و حمایت ارگانهای تبلیغاتی و بنیاد های وابسته به رهبری مشغول تبلیغ در گوشه و کنار و سراسر کشور بود. بالاخره در آخرین روز مهلت قانونی شورای نگهبان نامزدی چهار مرد را از (بین نزدیک به ۴۷۵ داوطلب که ۴۲ زن نیز بین آنان یافت میشد) تأیید نمود.

معماران این انتخابات تصور می کردند در طرح خود همه چیز را بدقت پیش بینی کرده اند. بزعم آنان آقایان میر حسین موسوی و مهدی کروبی رئیس سابق مجلس بعنوان دو نامزد اصلاح طلب باید یک یکدیگر را خنثی کنند در حالیکه نامزد دیگر اصول گرا آقای محسن رضائی فرمانده سابق سپاه پاسداران بعنوان نامزد مستقل به میدان آمده است.

و به این ترتیب ایران با گامها ئی شتابان وارد کارزار انتخاباتی بیست و دو روزه ای شد که طرح را بر هم زده و منجر به زمین لرزه ای در درون خود نظام شد. قبل از شروع کارزار رسمی رادیو و تلویزیون ملی هیچ فرصت حضوری در برنامه های خود به نامزدهای اصلاح طلب ندادند. اما هر روزه از نشر جانبدارانه اختلافات واقعی و یا جعلی آنان دریغ نمی ورزیدند، بدون اینکه حق پاسخ و توضیحی برای آنان قائل شوند. و بالاخره به امید احتراز از یک بحث همه جانبه بین چهار نامزد تصمیم به برگزاری مناظره های رو در رو، دو بدو بین آنها گرفتند. با یک تصادف در قرعه کشی برای انتخاب نشانه (لوگوی) تلویزیونی هر نامزد رنگ سبز نصیب میر حسین موسوی شد. رنگی که بعداً تبدیل به نماد این «انقلاب سبز» گردید.

در جریان این مناظره ها ماشین انتخاباتی سرعت گرفت. آقای احمدی نژاد از همان نخستین مناظره حمله را بعنوان بهترین شیوه دفاع بر گزید. حجت بی سابقه مشاجره انتخاباتی چهار چوب های تنگ خطوط قرمز جمهوری اسلامی را در هم شکست. دهها میلیون تماشاگر هر شب به گرد صفحه تلویزیون های خود می نشستند که در آن رئیس جمهوری که خود متهم به د روغونی می شد، مهمترین مقامات کشور را به فساد مالی متهم می کرد. آقای رفسنجانی چنان علناً مورد حمله آقای احمدی نژاد قرار گرفت که اقدام به ارسال نامه سرگشاده اعتراضی به رهبری نمود.

و اما مناظره های تلویزیونی چنان میل به آزادی ایرانیان را بر ملا کرد که گوئی جامعه به جهشی دموکراتیک وارد شده است. مضامین خصمانه و قشری بیان رسمی ناگهان پوچ و عوضی بنظر رسیدند، حتی آقای احمدی نژاد ناگزیر شد از خطاب تبلیغی معمول خود خارج شده به ارقام و نمودار های اقتصادی روی آورد که بلافاصله بعنوان ارقام و نمودار های جعلی و دروغین افشا گردیدند. رقبای رئیس جمهور بالاخره موفق شدند مسائل اقتصادی مانند تورم،

بیکاری و بیلان فاجعه آمیز اقتصادی را طرح کنند. شدت مناظره ها و استقبال از آنان در بین مردم باعث افزایش بی سابقه مشارکت در انتخابات شده و منجر به بروز مجدد یکی از تناقضات مبنائی نظام اسلامی یعنی مشروعیت دو گانه آن گردید. روزنامه آمریکائی هرالد تریبون در شماره ۲۴ ژوئن خود در شرح کاریکاتوری که آیت الله خامنه ای را در برابر رای دهندگان نشان می دهد در این مورد مینویسد «تئوکراسی بزبان ساده، شما رای می دهید اما خداست که تصمیم میگیرد.»

پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی پیشنهادی به مجمع بررسی قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ نوعی جمهوری ریاستی بر آمده از حاکمیت مردم را در نظر گرفته بود (اصل ششم قانون اساسی). اما این مجلس با اکثریت رو حانی و مذهبی خود بنام حاکمیت الهی قیمومتی مذهبی را تحت عنوان «ولایت فقیه» به این نظام تحمیل نمود (اصل پنجم قانون اساسی). و باین ترتیب اقتدارات اساسی مربوط به اعمال حاکمیت بنفع ولی فقیه که قدرت کنترل مطلق نسبت به قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضائیه دارد، صادره شدند (اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی)

قیمومت سنگین رهبری

در این نظام این رهبر است که سیاست ها کلی را تعیین میکند. فرماندهی کل نیرو های مسلح، حق اعلان جنگ و صلح و بسیج نیرو ها، فرمان همه پرسبی، نصب و عزل و قبول استعفا، فقهای شورای نگهبان، عالیترین مقام قوه قضائیه، رئیس سازمان انحصاری صدا و سیمای جمهوری اسلامی، رئیس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرماندهان عالی نیرو های نظامی و انتظامی، همه از آن اوست و همچنین حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه. وی میتواند حتی تحت بعضی شرایط از اصول قانون اساسی و حتی شریعت در بگذرد و باین ترتیب در واقع رهبری بعنوان نائب امام غایب مدعی اقتدارات مطلق تقریباً نامحدود در روی زمین است (اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی).

رئیس جمهور شخصیت دوم کشور تنها مسئول تدارکات و مدیریت امور جاری در زمینه های اقتصادی و اجتماعی و آنهم در زیر سایه سنگین رهبری و ارگانهای انتصابی از جانب او ست که خارج از هر نوع کنترل و نظارت مردمی عمل میکنند.

مع ذلک آرای مستقیم و عمومی به رئیس جمهور مشروعیت دموکراتیک می بخشد و با این ترتیب اهمیت انتخابات ریاست جمهوری هر چهار سال یکبار بعنوان فرصت بیان اراده عمومی حتی اگر مهار و کنترل شده هم باشد از موضوع اسمی آن فرا تر می رود. و تعارض مشروعیت بین منتخب آرای عمومی و نهاد های سیاسی مذهبی مستقر دولتی بدل به محور اصلی پویائی تحول تاریخی ای شده است که در راس قدرت در جمهوری اسلامی فعال شده است.

در بهمن ۱۹۵۸ کمتر از یکسال پس از پیروزی انقلاب آقای ابوالحسن بنی صدر اولین رئیس جمهور منتخب در میان ۹۵ نامزد این سمت است که در خرداد ۱۳۶۰ در شرائطی شبیه آنچه که امروز در کشور میگذرد در تعارض با «آیت الله خمینی» از سمت خود بر کنار شد. دو دوره ریاست جمهوری رهبر کنونی آقای خامنه ای بین ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ همزمان با جنگ ایران و عراق نیز مواجه با نوعی از همین تنش در قلب نظام میشود. در واقع آیت الله خمینی با تحمیل آقای موسوی بعنوان نخست وزیر، نقش رئیس جمهور وقت را به امور تشریفاتی ای محدود میکند که ژنرال دو گل آن ها را به طنز «افتتاح جشنواره های گل کوب» مینامید.

در سال ۱۳۶۸ با در گذشت آیت الله خمینی که مشروعیت مذهبی اش پذیرفته شده بود تعیین رهبر جدید همراه با ابهامات و مشکلاتی است. در واقع آقای خامنه ای که به جانشینی وی بر گزیده میشود حجت الاسلام ساده ای بیش نیست که یک شبه به لقب آیت الله العظمائی ترفیع یافته است. مثل اینکه یک کشیش ساده یک روزه پاپ شود. آقای خامنه این ترفیع برق آسا رامدیون آقای رفسنجانی است که از این پس سمت ریاست جمهوری را بعهده میگیرد. دو دوره ریاست جمهوری آقای رفسنجانی در سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ نیز از این تعارض مشروعیت، اما بدون آنکه به بحران های آشکار منجر شود، مبری نیست. محدود کردن تعداد نامزدها گزینش شده که در واقع نقش سیاهی لشکر در انتخابات ریاست جمهوری را بازی میکنند منجر به سقوط شدید مشارکت در این انتخابات میشود.

در سال ۱۳۷۶ با مشارکتی نزدیک به ۷۹,۹ درصد رای دهندگان، محمد خاتمی بعنوان مرد اصلاحات، انتخابات را در برابر نامزد رسمی مورد حمایت رهبر برد. این پیروزی غیر قابل تصور، در اکثر کشور های خاور میانه که همیشه نامزد رسمی برنده انتخابات است، بخوبی بیانگر وجود و تعارض این مشروعیت دوگانه است. دو دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی و کوشش های وی جهت پیشبرد اصلاحات همواره با قفل و بست های رهبری مواجه گردید که گسترش اعتراضات را بعنوان تهدیدی علیه قدرت خود تلقی می کرد. و از این رو است که آقای خامنه ای در سال ۱۳۸۴ در صدد تحمیل نامزد مورد نظر خود آقای احمدی نژاد بر می آید.

چهار سال بعد، علیرغم ابراز نگرانی های بسیاری از مشاورینش آقای خامنه ای مصمم بر حمایت از آقای احمدی نژاد د بهر قیمت ممکن است. روز ۲۲ خرداد با وجود هجوم رای دهندگان به محل های اخذ رای همه چیز به آرامی میگذرد. اما از ساعت پنج بعد از ظهر قبل از پایان اخذ رای ناگهان ورق بر میگردد. فرمانده پلیس تهران در تلویزیون سخن از شروع آزمایش اقتدار نیرو های انتظامی در سطح شهر می کند. در همان زمان شروع به اخراج ناظرین و نمایندگان نامزد ها از دفاتر اخذ رای و پایانه های تجمع آرا میکنند. اعتراضات مشترک سه نامزد رقیب ره بجائی نمی برند. سایه سنگینی از سکوت بر سالی که وزارت کشور برای انتشار نتایج انتخابات تدارک دیده بود سایه می افکند. در حالیکه ژانس های خبری طرفدار آقای احمدی نژاد مانند خبر گزار های فارس و پایگاه خبر رسانی ستاد انتخاباتی او و رجا نیوز شروع به انتشار ارقامی باور نکردنی در باره نتایج انتخابات می کنند.

تقلب گسترده

شگفت زدگی عمومی چندین ساعت بعد زمانی که وزارت کشور همین نتایج را قطعی اعلام کرد دو چندان شد. در صد نتایج ابتدا در بسته های دو میلیون رای بدون هیچ اشاره ای به حوزه های اخذ رای و مناطق مربوط به آن منتشر می گردیدند و پس از چندین ساعت سکوت در بامداد روز بعد در بسته های پنج میلیون رای با همان وضعیت و شرایط اعلام گردیدند. در تمام این مدت ابتدا رسانه های هوادار آقای احمدی نژاد نتایج را اعلام میکنند که بعدا مورد تأیید وزارت کشور قرار میگیرد.

علاوه بر این گرچه جمع کل آرا تا حد سی و نه میلیون رای یعنی ۸۵ درصد مشارکت افزایش می یافت میزان آرا هر نامزد در تمام طول این مدت همان ارقام اولیه باقی مانده بود. گویی در همه شهر ها و مناطق، فارغ از مسائل خاص هر یک آنها رای دهندگان به همان نسبت به نامزدها رای داده اند. و پس از ده روز بالاخره فهرست نتایج جزئی شهرستانها و مناطق مختلف در پایگاه وزارت کشور در اختیار عموم قرار گرفت.

بنا بر ارقام اصلی آقای احمدی نژاد ۶۲,۶۳ درصد آرا یعنی ۲۴۵۲۷۵۱۶ رای آورده بود. یعنی پس از چهار سال فرسایش قدرت و با بیلان اقتصادی آن چنانی توانسته بود میزان آرای خود را نسبت به ۵۷۵۱۰۰۰ رای مرحله اول انتخابات ۱۳۸۴ تقریباً پنج برابر کند و حال آنکه در جهت مقابل یکی از رقبای وی آقای کروبی، با کسب ۳۳۳۶۳۵ رای توانسته بود تنها یک پانزدهم میزان رای ای را که در سال ۱۳۸۴ کسب کرده بود، بدست آورد.

تحقیقات گوناگونی آب به آسیاب کسانی که ظن تقلب وسیع در انتخابات را می برند میریزد. حتی خود حاکمیت به شبهاتی در باره نزدیک به سه میلیون از آرا مآخوذه اذعان می کند. بنا بر تحقیقی از جانب موسسه چانتهم هوس لندن در دو استان بیش از صد در صد و اجدان شرایط رای داده اند. برای دستیابی به چنین نتایج انتخاباتی آقای احمدی نژاد باید نه تنها آرای محافظه کاران و میانه رو ها بلکه بیشتر از نیمی از آرا اصلاح طلبان را هم در یک سوم شهرستانها جذب کرده باشد. و بالاخره بر خلاف نظر رایج نامزد های محافظه کار همیشه در انتخابات های ۱۳۷۶-۱۳۸۰ و ۱۳۸۴ در روستا ها از اقبال کمتری بر خوردار بوده اند بنا بر تحقیق چانتهم هوس درست در روستا هاست که معمولاً محافظه کاران کمترین میزان آرا را جذب میکنند. چون اغلب در این مناطق اقلیت های قومی معترض نسبت به قدرت مرکزی زندگی میکنند. با چه معجزه ای آقای احمدی نژاد درست در این مناطق در سال ۱۳۸۸ بالاترین اکثریت را آورده است؟

علاوه بر این در اقشار مردمی کارگران در شمار اولین قربانیان سیاست های اقتصادی آقای احمدی نژاد بشمار میروند. سیاست هایی که مشخصات عمده آنها تورم بیش از ۲۰ درصد و بیکاری انبوه هستند که بیش از همه جوانان این طبقه اجتماعی از آن رنج میبرند. چگونه آقای احمدی نژاد رای آنها را بخود جذب کرده است؟ در فرادی « جشن پیروزی» آقای احمدی نژاد که تبریک رهبر را هم در یافت کرده است میلیون ها مردم در تهران و شهر های بزرگ در تظاهرات خود فریاد اعتراض و انزجار نسبت به آنچه را سرقت آرا خود مینامند، بلند کردند. احتمالاً اگر حکومت بوش، با بیان جنگ طلبان ها و متحد بی قید و شرط اسرائیلی اش هنوز بر سر قدرت بود بسیجی به این اهمیت، گرچه محدود به

طبقات متوسط جامعه، مشکل تر بود. اراده به مذاکره پرزیدنت اواما نسبتا ایرانیان را از ترس ایالات متحده آمریکا و مداخله خارجی رها ساخت تا بتوانند بر ترس از نظام خود نیز نیز فائق آیند. رئیس جمهور آمریکا بر خلاف همتایان اروپائی و از جمله فرانسوی خود بهتر توانست تعادل بین ضرورت احتراز از مداخله در امور داخلی یک کشور و در عین حال ضرورت محکوم کردن سرکوب مردم را رعایت کند.

امروز تنها آینده جمهوری اسلامی که با یکی از سخت ترین بحران های تاریخ خود در گیر است در گرو سر نوشت مجادلات و مبارزات کنونی نیست بلکه سخت تر شدن رفتار ها در داخل کشور میتواند منجر به یک نوع مسابقه افراطی گرایانه علیه کشور های غربی هم بشود که گفتگویی بین واشنگتن و تهران را نیز سخت تر خواهد کرد

۱- به شماره ۹۳ «شیوه نظر» ویژه ایران بنام «توفان ها بر فراز ایران» مورخ ژوئن و ژوئیه ۲۰۰۷ مراجعه کنید.

۲- رامین معتمد نژاد «ایران در تحت سیطره پول» لوموند دیپلوماتیک.

۳- در مورد این جنبه شگفت به مقاله «امام خمینی در مقابله با محافظه کاران» لوموند دیپلو ماتیکی ژوئن ۱۹۸۸ از همین قلم مراجعه فرمائید.

۴- بنا بر نظریه شیعه امام دوازدهم شیعیان از سال ۸۷۴ میلادی غیبت نموده بنا بر نظر آیت الله خمینی رهبر نائب این امام غائب است و دارای اختیارات مطلق از جانب اوست. البته این نظریه ولایت فقیه مورد نقد و مخالفت بسیاری دیگر از علمای شیعه قرار گرفته است.

۵- www.chathamhouse.org.uk/files/14234_iranelection0609.pdf - و همچنین ملا حظات و تحلیل های جمعیت شناس خانم ماری لو دیه فولادی «le dessous des cartes électorales» در شماره ۲۳ ژوئن مجله La vie des idées ; www.laviedesidees.fr/Iran-le-dessous-des-cartes.html